

# در دسر سقط جنین برای عروس



ولنی با هماهنگی قبلی با گلناز، به کادر بیمارستان گفتیم که نوزاد را کنار گازی زباله پیدا کرده ایم اما خیلی زود دستمان رو شستند و در حالی مأموران انتظامی ما را به کلاتری هدایت کردند که دخترم نیز فوت شده بود اما ای کاش گریه های پدرم را می دیدم ... شبانان ذکر است با صدور دستوری ویژه از سوی سرهنگ سید عباس شریفی (رئیس کلاتری امام رضا (ع)) این زن جوان پس از طی مراحل درمانی به مراجع قضایی معرفی شد و عملیات پلیس برای دستگیری عاملان خرید و فروش داروهای غیرقانونی سقط جنین ادامه یافت.

مجازی ادامه می داد. در این شرایط پدرم را مجبور کردم برایم گوشی تلفن هوشمند بخرد تا از گوشی خواهرانم به صورت شرکتی استفاده نکنم. از آن جایی که دانش آموز ممتازی بودم و پدرم امیدوار بود روزی در رشته پزشکی تحصیل خواهم کرد، تسهیلاتی از یک بانک گرفت و برایم یکی از بهترین مدل های گوشی را خرید. حالا دیگر همه فضاهای مجازی زیر انگشتان من بود و مدام در شبکه های اجتماعی پرسه می زدم تا این که در همین اثنایا پسر جوانی در اینستاگرام آشنا شدم که پنج سال از من بزرگ تر بود و در رشته آمار دانشگاه آزاد تحصیل می کرد. «حسام» از نظر من جوانی روشنفکر بود که به قول خودش همیشه کلاس و استادان دانشگاه را به چالش می کشید. حدود یک سال از ارتباط من و حسام می گذشت و علاقه ام به او روز به روز بیشتر می شد. حالا دیگر درس و مدرسه را کنار گذاشته بودم و تنها به ازدواج یا او فکر می کردم اما وقتی حسام موضوع ازدواج با مرا نزد خانواده اش مطرح کرد، آن ها به شدت مخالفت کردند و معتقد بودند ما تفاوت های فرهنگی، اقتصادی و تحصیلی زیادی با یکدیگر داریم. به همین دلیل خانواده من نیز با این ازدواج مخالفت کردند اما من پدرم را به

فرار از منزل تهدید کردم. او روزی مرا به درون اتاقی کشید و اشک ریزان گفت: «دخترم این گونه از دواج هافر جامی جز بدبختی و تباهی نخواهد داشت چرا که همه این هیجان و عشق و علاقه های دیوانه وار فقط هوس های زودگذری هستند که خیلی زود بعد از ازدواج فروکش خواهند کرد و ...» با وجود این نصیحت ها من او بدون حضور خانواده تا این که به پیشنهاد حسام من و او بدون حضور خانواده اش و به طور رسمی ازدواج کردیم. در این وضعیت او نیز دانشگاه را رها کرد و چون اوضاع مالی خوبی داشت، عازم مشهد شدیم تا از خانواده هایمان دور باشیم. منزل کوچکی در مشهد اجاره کردیم و همسر در یک هتل آپارتمان به عنوان مدیر مالی مشغول کار شد. با آن که یک سال از این ماجرا می گذشت و هر دو نفر ما دلتنگ خانواده هایمان بودیم اما هیچ گونه تماسی در این مدت نداشتیم تا این که یک روز حسام وقتی از سر کار به خانه آمد ناخود آگاه گوشی تلفن را برداشت و با مادرش تماس گرفت. مادر حسام در آن سوی خط فقط اشک می ریخت و او از ترغیب می کرد تا به آمل باز گردد. او اشک ریزان به حسام گفت اگر برگردی و با دختری که در شأن و

## اقدام سیاه مرد در مال با دختر جوان



گروه حوادث - رمال شیطان صفت که با وعده پیچیدن نسخه سحر آمیز دختر جوان را به تله انداخته و وی را آزار داده بود در دادگاه کیفری تهران محاکمه می شود. رسیدگی به این پرونده با شکایت دختر جوانی به نام المیرا آغاز شد. وی که به پلیس آگاهی رفته بود از یک رمال میانسال که از او سرقت کرده و او را آزار داده بود شکایت کرد. دختر ۲۸ ساله در تشریح شکایتش گفت: من در یک شرکت خصوصی کار می کنم و همراه پدر و مادرم زندگی می کنم. سنم برای ازدواج بالای رفته و همه دوستانم از دواج کرده اند و من به شدت احساس تنهایی می کنم. چند سال است که خانواده ام به من طعنه می زنند و من نگران دیر شدن ازدواجم هستم. به همین خاطر با یکی از دوستانم درد دل کردم و او مرد رمالی را در شهرک کاروان به من معرفی کرد. دوستم میگفت او می تواند با نسخه سحر آمیز بختم را بکشاید. به همین خاطر به خانه مرد رمال رفتم. وی ادامه داد: مرد رمال پس از ملاقات با من گفت بختم بسته شده و باید انگشترم را به او بدهم تا از روی انگشتر انرژی هایم را بگیرد و از این طریق بخت مرا باز کند. من انگشتری را که ۲۰ میلیون تومان ارزش داشت به مرد رمال دادم. اما یک هفته بعد وقتی برای گرفتن نسخه سحر آمیز پیش او رفته بودم به من گفت انگشترم دزدیده شده است. مرد رمال حرف های عجیبی میزد. او میگفت گره سختی در بختم افتاده و به همین خاطر شیاطین انگشتر مرا زدیده اند. من که از حرف های او ترسیده بودم گفتم از او شکایت می کنم تا انگشترم پیدا شود. اما مرد شیاد گفت خودش انگشتر را از شیاطین پس می گیرد. او میگفت بهتر است اول بختم را بکشاید و سپس دنبال پس گرفتن انگشتر بروم.

دعویم شد. درگیری آن روز ما با واسطت دیگران پایان یافت اما کینه مقتول را به دل گرفت و او را تعقیب کردم تا خانه او را یاد بگیرم بعد به سراغ امیر، دوستم که هم ولایتی ام بود رفتم و ماجرای کینه ای که به دل داشتم را مطرح کردم. با امیر تصمیم گرفتیم که او را دنب کنیم و به همین دلیل روز حادثه به سراغ مقتول رفتیم، اما قصد ما کشتن نبود. از آنجا که تجربه کار آگاهان نشان می داد انگیزه بهمین دور از واقعیت است به همین خاطر همزمان کار آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت پس از هماهنگی های قضایی راهی محل زندگی منتم دوم شده و مرد جوان را بازداشت کردند. امیر در تحقیقات گفت: وقتی بهمین به سراغم آمدم به من گفت مردی برای همسرش ایجاد مزاحمت کرده و از من خواست آن مرد را ادب کنیم و زهر چشم بگیریم او مرا به این بهانه به محل درگیری کشاند.

## دوربین مدار بسته راز جنایت زن خائن را لو داد



تیم جنایی با کنار هم قرار دادن مدارک و شواهد به این نتیجه رسیدند که بهمین انگیزه اصلی اش را از جنایت بیان نکرده است، چرا که متهمان با کلید وارد خانه شده بودند، از سوئی همداست بهمین نیز مدعی بود که انگیزه آنها مسائل ناموسی بوده است و موضوع دعوا بر سر جای پارک واقعیت ندارد. در ادامه با بررسی تلفن های بهمین مشخص شد وی با همسر مقتول بارها تماس تلفنی داشته است. بنابراین با جوی های بهمین شدت گرفت و زمانی که وی خود را در مقابل مدارک پلیسی دیده با ناچار انگیزه اصلی اش را از جنایت برملا کرد: شغل اصلی ام قضایی است اما گاهی مسافر کشی هم می کنم. مدتی قبل همسر مقتول را به عنوان مسافر سوار کردم و شماره ام را به او دادم که اگر نیاز به تاکسی پیدا کرد با من تماس بگیرد. پس از آن چندبار دیگر او با من تماس گرفت و خواست تا او را با خود درو به مقصد برسانم. در این میان با هم صمیمی تر شدیم و او از مشکلاتی که با همسرش داشت گفت.

گروه حوادث - دوربین های مدار بسته محل جنایت، راز قتل مرد جوان و سناریوی دروغین مردان جنایتکار را برای پلیس فاش کرد. شامگاه سهشنبه ۲۱ تیر امسال مأموران کلاتری ۱۴۴ جوادیه در تماس با محمد وهابی بازپرس کشیک ویژه قتل از کشف پیکر خونین مردی جوان در پارکینگ خانه اش خبر دادند. با مخابره این خبر، تیم جنایی راهی محل شده و جسد مرد ۲۲ ساله را در حالی که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود مشاهده کردند. رد خون تیم جنایی را به مقابل واحد مسکونی در طبقه زیر همکف رساند. این رد خون نشان می داد عاملان جنایت، مقتول را مقابل خانه اش در طبقه منفی یک غافلگیر و با ضربات متعدد چاقو مجروح کرده و متواری شده اند. بعد از آن مرد مجروح در حالی که خون زیادی از او رفته بود به دنبال مردان ناشناس خود را به پارکینگ خانه رسانده اما در آنجا تسلیم مرگ شده است.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش | تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) | سایت: www.eghtesad-kish.ir

<b>استخدام</b>	<b>مفقودی</b>	<b>تعمیرات</b>	<b>حسابرسی</b>
نیروی خدماتی (خانم، آقا) باسواد جهت کار در یک شرکت نیازمندیم. متقاضیان می توانند به نشانی ویلاهای مروارید بلوک b3 طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه کنند. شماره تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹	اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۰۹۶۲۱/۰۱ به نام مژگانه ایروانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	سرد آسا کیش تعمیرات کلیه سیستم های برودتی ۰۹۱۷۳۶۴۶۸۶۴ ۰۹۳۴۷۶۹۷۸۴۴ ۰۹۳۳۷۲۱۶۸۶۴ اینستاگرام: sard.asa.kish	مؤسسه مالی شکوه بنیان مشاور مالی و کلیه خدمات مالیاتی توسط اعضای جامعه مشاوران رسمی مالیاتی حسابرسی صورتهای مالی جهت ارائه به بانکها و اداره مالیاتی توسط اعضای جامعه حسابداران رسمی ۰۷۶ - ۴۴۴۶۳۵۷۴ و ۰۹۱۲۲۲۷۹۰۳۸
استخدام منشی دفتر آشنا به کامپیوتر و امور اداری جهت کار در یک شرکت استخدام می شود. آدرس مراجعه: ویلاهای اداری مروارید جنب بازارچه حافظ پلاک ۷۱۵ روزنامه اقتصاد کیش	برگ سبز خودرو فورد فیوژن رنگ نقره ای متالیک به شماره پلاک ۳۳۵۴۷۲۲ شماره موتور AR114168 شماره شاسی 3FAHPOHAXAR114168 به نام رثوف جراحی مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	خدمات برق انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸	صنایع چوب
نیازمندیهای اقتصاد کیش ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۳۹۱۰	حمل و جابجایی کالا با ۶ چرخ در سطح جزیره ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰	خدمات تاسیسات آب و لوله کشی جزئی و کلی مجتمع های اداری مسکونی - خدماتی - تجاری رضایی ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴	صنایع چوب حلاج کیش کلیه سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل تلفن ۷۶۹۸۲۵۲

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش | گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش | اقتصاد کیش | روزنامه